

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۲

صفحات: ۷۳ - ۶۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۸

## رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان

ایران مهدیزادگان\*

محمدرضا حق شناس\*\*

سید حمید آنتش پور\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان انجام شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان شهر شاهین شهر تشکیل می دادند که تعداد آنها ۶۷۰۰۰ نفر بود که از بین آنان تعداد ۳۹۳ نفر (۱۹۸ نفر زنان شاغل و ۱۹۵ نفر زنان خانه دار) به شیوه تصادفی چند مرحله ای انتخاب و گروه نمونه را تشکیل دادند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه های خشونت خانوادگی و پویائی درون خانواده (F.A.D) بود. داده ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی با کارکرد خانواده رابطه منفی معناداری وجود دارد ( $P \leq 0/05$  و  $P \leq 0/01$ ). همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که خشونت جنسی و کلامی قادر به پیش بینی کارکرد خانواده می باشد.

کلید واژگان: خشونت خانوادگی، کارکرد خانواده، زنان.

\* عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان) (نویسنده مسئول؛ iran\_meh@yahoo.com)

\*\*دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

\*\*\*عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

## مقدمه

پدیده خشونت در خانواده از جلوه های آشکار نقض حقوق انسانی است، که مخصوص جامعه و طبقه خاصی نبوده و هم اکنون در بسیاری از فرهنگهای سراسر دنیا به صورت آسیب فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح می گردد. متأسفانه در دنیای متمدن امروز زنان که عضو جامعه بزرگ انسانی اند، آشکارا و پنهان اشکال عمده خشونت و آزار را در شبکه ارتباطی خانواده و در تمام دوره های زندگی غمگنانه و به تلخی تجربه می کنند (فال، هووارد و فورد، ترجمه مهدیزادگان و باقرپور، ۱۳۸۱).

در اکثر جوامع امروزی زنان در معرض خشونت های مردان قرار دارند، آنها نه تنها قربانی خشونت مردانه اند، بلکه ترس از رویارویی با این خشونت بر سراسر زندگی آنان به شدت سایه افکنده است (مردانی، ۱۳۸۹). محیط خانوادگی و شبکه ارتباطی درون آن یکی از بسترهای خشونت است، برخی موارد این خشونت ها عبارتند از خشونت جسمانی، خشونت کلامی، خشونت عاطفی، خشونت جنسی. خشونت خانگی آثار مخربی بر جو روان شناختی و عاطفی خانواده و اعضای آن می گذارد و می تواند پیامدهای مخربی بر ساختار خانواده به دنبال داشته باشد. که به تأثیر این پیامدها بر کارکرد خانواده و سلامت روان خانواده می توان اشاره نمود. فال (۲۰۱۰) خشونت را هرگونه نگرشی، یا رفتاری که به آسیب فرد دیگری بینجامد تعریف نموده، و آسیب را به چهار شیوه عمده جسمی، کلامی، عاطفی و جنسی مورد بررسی قرار می دهد.

خشونت های خانوادگی معمولاً از عوامل خطر چند گانه و پیچیده ای نشأت می گیرد که از جمله عمده ترین این عوامل می توان به آسیب های روانشناختی زوج و زمینه های اجتماعی و فرهنگی اشاره داشت (گورتner، کولان و جکوبسون، ۱۹۹۷). خشونت خانوادگی را می توان مجموعه ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارهای فرد دیگر بدان متوسل می شود. قربانیان خشونت خانوادگی که اکثر قریب به اتفاق آنها زنان هستند اغلب مورد تهدید جانی، تجاوز جنسی و محرومیت اقتصادی قرار می گیرند و به کودکان و متعلقات آنها صدمات زاینباری وارد می شود. اثبات وجود این سیستم کنترل امری بس دشوار و اغلب از چشم افراد بیرون خانواده پوشیده می ماند (شکتر و گالنی، ۱۹۹۵).

خانواده بدون شک بهترین سازمانی است که بستر ساز رفاه جسمی، روانی و اجتماعی و عامل رسیدن به تعادل فیزیکی است (بخشی پروردسری و منصوری، ۱۳۹۰). مطالعه اپستین، بالدوین، و بیشاپ<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) پیرامون عملکرد و کارآیی خانواده نشان داده است که کارآیی خانواده بیشتر به ویژگی های نظام خانواده، شیوه های سیستمی و الگوهای تبادلی بین اعضاء آن مربوط است و نه به ویژگی های درون روانی یکایک اعضاء خانواده (رجبی، چهاردولی و عطاری، ۱۳۸۶). وارینگ، دیویس، لی، گریسی، برک و اسکازوچیو<sup>۶</sup> (۱۹۸۱) در مطالعه ای دریافتند که نابسامانی ازدواج و عدم خشنودی در زندگی زناشویی به طور معناداری

۱. Fall, Howard & ford

۲. Fall

۳. Gortner, Collan, & Jacobson

۴. Schechter & Ganley

۵. Epstein, Baldwin, & Bishop

۶. Waring, Davies, Lee, Grisi, McPhail-Berks, & Scazzochio

با شیوع اختلالات عاطفی - هیجانی در جمعیت عمومی رابطه دارد. در صورتی که ازدواج رضایت بخش باعث ارتقاء سلامت همسران و منابع رویدادهای منفی زندگی و مشکلات روانشناختی در آن‌ها می‌شود. بعضی از پیامدهای حاصل از اختلال در ازدواج عبارتند از: همبستگی مثبت بین تعارض زناشویی و افسردگی (کوی و همکاران<sup>۱</sup> ۱۹۹۳). سطح پایین سلامت جهانی و مشکلات شغلی (مارک من، رینک، فلویید، استانی و کلمنت<sup>۲</sup> ۱۹۹۳). زوجین تمایل دارند که در زنجیره ارتباط الگوی تعاملی خود را در روابط خصوصی شان حفظ کرده و توسعه بخشند در جریان موقعیت‌های تعارضی، این الگوهای تعاملی می‌تواند هم مثبت و هم کاربردی باشد و ارتقاء روابط زناشویی به هنگام بروز استرس و تشدید تعارض یا منفی و یا غیر کاربردی باشد (کروالی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

فورستر<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) بر این باور است که اگر ارزیابی افراد از خودشان و ذهنیتی که اغلب به خودشان دادند، مثبت باشد، از سلامت و سازگاری بیشتری برخوردار هستند، لذا روانشناسی مثبت و سرمایه روانشناختی از جمله مسائلی است که صرفاً در محیط‌های سازمانی مورد توجه و بررسی قرار گرفته و در روابط اجتماعی و خانوادگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ساهین، تیمور و ارگین<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، در تحقیق نشان دادند افرادی که خشونت‌های خانوادگی را تجربه کرده اند ارافت کار کرد بیشتری برخوردارند. اتمن و آدان<sup>۶</sup> (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان مدیریت خشونت خانوادگی در مالزی به این موضوع اشاره کردند که وجود خشونت‌های خانگی در بین خانواده‌ها موجب افت رضایت زناشویی می‌شود و کارکرد‌های خانوادگی را کاهش می‌دهد. رسکو<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر خشونت علیه زنان نشان داد که اشتغال موجب رشد منابع اقتصادی در زنان می‌شود و به دنبال آن خشونت‌های فیزیکی علیه آنان افزایش می‌یابد.

آیدی، کورا، آندرادو اسکامیلا<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود تحت عنوان علل و عوامل شیوع خشونت‌های خانگی اشاره نمودند که زنان خانه دار و کم درآمد بیشتر در معرض خشونت‌های خانوادگی قرار می‌گیرند. محمدخانی، رضایی دو گاهه، محمدی و آزاد مهر (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان انجام دادند یافته‌ها نشان داد، مردان بیشتر از زنان مرتکب خشونت می‌شوند و در عین حال زنان بیشتر قربانی خشونت بودند. از سوی دیگر زمان خشونت که با میانگین دفعات بروز خشونت اندازه گرفته شد در مردان بیشتر بود. مهدی زادگان (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان تاثیر فرایند مشاوره گروهی با مردان خشونت‌گرا در خانواده نشان داد که به منظور کاهش خشونت‌های خانوادگی با استفاده از مشاوره گروهی می‌توان نگرش افراد را نسبت به اعمال خشونت تغییر داد و خشونت را کاهش داد. نتایج تحقیق فروزنده، دریس، دل آرام و ترابی (۱۳۸۸) نشان داد که رابطه معناداری بین پر خاشگری

۱. Coie etal

۲. Markman, Renick , Floyd, Stanley, & Clement

۳. Crowley

۴. Forster

۵. Sahin ,Timor , & Ergin

۶. Othman & Adenan

۷. Resko

۸. Audi, Corrêa, Andrade & Escamila

و ابعاد مختلف کارکرد خانواده مانند حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها و کارکرد کلی خانواده وجود داشت ( $P < 0/05$ ). از آنجایی که خشونت‌های خانوادگی مخصوص یک قشر یا یک منطقه خاص نبوده و تمامی طبقات جامعه را در بر می‌گیرد و هیچ انسانی از فشار روانی و اجتماعی ناشی از خشونت‌های خانوادگی مصون نیست و به طور کلی باید گفت خشونت‌های خانوادگی به کار و اقتصاد خانواده لطمه وارد می‌کند، درآمد سرانه را کاهش می‌دهد و رفاه و نشاط فردی را از اعضای خانواده سلب می‌کند و با تخریب وضایع کردن نیروی انسانی، در اقتصاد و اجتماع تاثیر عمیق و سوء بر جامی گذارد، بر این اساس هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان شهر شاهین شهر می‌باشد که برای دستیابی به این هدف فرضیه‌های زیر تدوین گردید.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری را کلیه ی زنان شهر شاهین شهر در بهار سال ۱۳۹۱ تشکیل داده‌اند که طبق آمار شبکه بهداشت و درمان شاهین شهر تعداد زنان شاهین شهر حدود ۶۷۰۰۰ نفر بود که از بین آنها تعداد ۳۹۳ نفر (۱۹۸ از زنان شاغل و ۱۹۵ از زنان خانه‌دار) به شیوه تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و گروه نمونه را تشکیل دادند. بدین ترتیب که ابتدا از بین سازمان‌های شهر شاهین شهر تعداد ۱۰ سازمان مشخص و از بین زنان شاغل در این سازمان‌ها گروه نمونه انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند و برای جمع‌آوری اطلاعات زنان خانه‌دار نیز با مراجعه حضوری به درب منازل و همچنین از بین زنان مراجعه‌کننده به مراکز فرهنگی و تفریحی شهر شاهین شهر با اخذ اجازه و کسب تمایل برای حضور در تحقیق، پرسشنامه‌ها در اختیارشان قرار گرفت و توسط آنان تکمیل گردید.

### ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه خشونت خانوادگی: خشونت خانوادگی در این پژوهش با استفاده از یک مقیاس ۴۲ سوالی که بر مقیاس ۵ درجه‌ای (هرگز = ۱ تا هر روز = ۵) پاسخ داده می‌شود مورد سنجش قرار گرفته است. این پرسشنامه ابعاد مختلف خشونت (خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی) را به صورت جداگانه مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه توسط مهدیزادگان و آتش پور و برای اولین بار جهت استفاده در این پژوهش طراحی و ساخته شده است و برای اولین بار در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در تحقیق حاضر جهت تعیین روایی سازه این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۱</sup> با چرخش از نوع واریماکس<sup>۲</sup> بر روی ۴۲ پرسش این پرسشنامه انجام گرفت که چهار عامل خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی استخراج گردید. نتیجه این تحلیل عاملی با سنج کیزر، میر و اولکین (KMO) برابر ۰/۸۴ و با آزمون کروت بارتلت برابر ۱۹۳۶/۲۳۰۹ ( $P \leq 0/001$ ) به دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به هر یک از ابعاد این پرسشنامه بررسی و در جدول (۱) این ضرایب بیان شده است.

۱. confirmatory factor analysis

۲. varimax rotation

**جدول (۱) ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از ابعاد خشونت خانوادگی**

خشونت جسمی	خشونت عاطفی	خشونت کلامی	خشونت جنسی	آلفای کرونباخ
۰/۹۱۵	۰/۹۰۹	۰/۹۳۴	۰/۷۵۰	

۲- پرسشنامه پویائی درون خانواده (F. A. D): پرسشنامه F. A. D یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن کارکرد (کارایی) خانواده توسط اپستین، بالدوین، و بیشاپ بر مبنای الگوی مک مستر تدوین شده است و بر اساس یک مقیاس لیکرتی (۱ الی ۴) پاسخ داده می شود. این پرسشنامه در تحقیقات زیادی مورد استفاده قرار گرفته است و روائی آن مورد تأیید می باشد. این پرسشنامه توسط ثنائی (۱۳۷۸) با استفاده از مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس و با مقیاس قدرت متمایز سازی اعضای خانواده های بالینی و خانواده های غیر بالینی، در هر هفت خرده مقیاس خود، دارای روائی همزمان و پیش بین مطلوبی گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه توسط ثنائی (۱۳۷۸) با استفاده روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده مقیاس های آن به ترتیب فوق ۰/۹۱، ۰/۶۶، ۰/۶۷، ۰/۶۳، ۰/۴۲، ۰/۶۱، ۰/۳۸ و ۰/۷۳ گزارش شده است. همچنین، پیرامی، هاشمی، علانی و عبداللهی (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه را ۰/۹۸ گزارش کرده اند. در تحقیق حاضر پایائی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است که مقدار آلفای آن برابر با ۰/۷۰ به دست آمد.

**یافته های پژوهش**

فرضیه ۱: بین خشونت خانوادگی (خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی) با کارکرد خانواده رابطه معنادار وجود دارد.  
در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

**جدول (۲) ضرایب همبستگی بین ابعاد خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده**

ردیف	ابعاد خشونت	کارکرد خانواده	
		ضریب همبستگی	ضریب تعیین
۱	خشونت جسمی	-۰/۱۱	۰/۰۲۹
۲	خشونت عاطفی	-۰/۲۳۷	۰/۰۰۰۱
۳	خشونت کلامی	-۰/۲۱۹	۰/۰۰۰۱
۴	خشونت جنسی	-۰/۳۰۴	۰/۰۹۲

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می شود، بین خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی با کارکرد خانواده رابطه منفی معناداری وجود دارد ( $P \leq 0/05$  و  $P \leq 0/01$ ).  
فرضیه ۲: بین خشونت خانوادگی (خشونت جسمی، خشونت عاطفی، خشونت کلامی و خشونت جنسی) با کارکرد خانواده رابطه ترکیبی (چندگانه) معنادار وجود دارد.

### جدول (۳) ضریب همبستگی چندگانه بین ابعاد خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده به شیوه گام به گام

گام‌ها	R	مجذور R	F	Df <sub>۱</sub>	Df <sub>۲</sub>	سطح معناداری
گام ۱	۰/۳۰۴ <sup>a</sup>	۰/۰۹۲	۳۹/۷۹	۱	۳۹۱	۰/۰۰۰۱
گام ۲	۰/۳۱۹ <sup>b</sup>	۰/۱۰۲	۴/۲	۱	۳۹۰	۰/۰۴۱

a. خشونت جنسی b. خشونت جنسی و خشونت کلامی

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود بین ابعاد خشونت خانوادگی و کارکرد خانواده به شیوه گام به گام رابطه وجود دارد ( $p < ۰/۰۱$ ). مجذور R که نشان دهنده همپوشانی واریانس هاست نشان می‌دهد که در گام اول ۹ درصد و در گام دوم ۱۰ درصد از نمرات خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده همپوشی داشته‌اند و تغییرات کارکرد خانواده از آنها ناشی می‌شود.

### جدول (۴) ضرایب رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی کارکرد خانواده از طریق ابعاد خشونت خانوادگی

گام‌ها	ضرایب استاندارد B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معناداری
گام ۱	مقدار ثابت ۱۳۸/۳۹	۱/۵۳	-	۹۶/۴۶	۰/۰۰۰۱
گام ۱	خشونت جنسی -۰/۹۸	۰/۱۵	-۰/۳۰۴	۶/۳	۰/۰۰۰۱
گام ۲	مقدار ثابت ۱۴۷/۶۸	۱/۵۷	-	۹۴/۰۵	۰/۰۰۰۱
گام ۲	خشونت جنسی -۰/۸۳۳	۰/۱۷	-۰/۲۵۷	۴/۸۵	۰/۰۰۰۱
گام ۲	خشونت کلامی -۰/۱۹۸	۰/۰۹۷	-۰/۱۰۹	۲/۰۵	۰/۰۴۱

همانطور که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، از بین ابعاد خشونت خانوادگی طی دو گام، خشونت جنسی ( $p < ۰/۰۱$  و  $t = ۴/۸۵$ ) و خشونت کلامی ( $p < ۰/۰۵$  و  $t = ۲/۰۵$ ) پیش‌بین کارکرد خانواده بوده‌اند. ضریب بتا نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت جنسی در گام اول و دوم، به ترتیب به میزان ۰/۳۰۴ و ۰/۲۵۷ واحد نمره از کارکرد خانواده کاسته می‌شود. در گام دوم با اضافه شدن یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت کلامی به میزان ۰/۱۰۹ واحد نمره بر حسب انحراف معیار از کارکرد خانواده کاسته می‌شود.

### بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش بین تمامی ابعاد خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده رابطه منفی و معناداری وجود دارد ( $P \leq ۰/۰۱$ ). به عبارت دیگر افزایش خشونت موجب کاهش کارکرد خانواده می‌شود. لذا فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. این یافته‌ها با یافته‌های فروزنده، دریس، دل آرام و ترابی (۱۳۸۸)، و لمی (۲۰۰۳) همسو بوده است. در تبیین نتایج بدست آمده باید بیان نمود که کارکرد خانواده به توانایی اعضای خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی

بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است و هر گونه تغییر در آن می تواند بر سلامت اعضای خانواده اثر گذار باشد (کدیور، اسلامی و فراهانی، ۱۳۸۳). همچنین همانگونه که اوتمن و آدان (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان مدیریت خشونت خانوادگی در مالزی به این موضوع اشاره کرده اند که وجود خشونت های خانگی در بین خانواده ها موجب افت رضایت زناشویی می شود و کار کرد های خانوادگی را کاهش می دهد. از سوی دیگر هر گونه انحرافی در سلامت اعضای خانواده می تواند موجب بر هم خوردن کار کرد خانواده گردد. بنابراین وجود رابطه منفی بدست آمده بین خشونت خانوادگی با کار کرد خانواده هم علمی و هم منطقی می باشد، زیرا که خشونت در تمامی ابعاد اشاره به نوعی رفتار خصمانه و همراه با زور است که خواسته ای را به دیگران تحمیل می کند و زمانی که بین اعضای خانواده خشونت وجود داشته باشد، به دنبال آن کار کرد خانواده نیز دچار اختلال شده و کاهش می یابد.

همچنین یافته دیگر این پژوهش مبنی بر وجود رابطه چند گانه بین متغیر های پژوهش نشان داد که از بین ابعاد خشونت خانوادگی طی دو گام، خشونت جنسی و خشونت کلامی پیش بین کار کرد خانواده در جهت منفی بوده اند. ضریب بتا نشان داده که با افزایش یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت جنسی در گام اول و دوم، به ترتیب به میزان  $0/304$  و  $0/257$  واحد نمره از کار کرد خانواده کاسته می شود. در گام دوم با اضافه شدن یک واحد نمره بر حسب انحراف معیار به خشونت کلامی به میزان  $0/109$  واحد نمره بر حسب انحراف معیار از کار کرد خانواده کاسته می شود. بنابراین فرضیه دوم تأیید گردید.

این یافته ها با یافته های فروزنده، دریس، دل آرام و ترابی (۱۳۸۸)، لمی (۲۰۰۱) و ساهین، تیمور و ارگین (۲۰۱۰) همسو بوده است. در تبیین نتایج بدست آمده باید بیان نمود که همانگونه که آقابابایی (۱۳۸۴) اشاره نموده است، خشونت های کلامی و لفظی، فحاشی و اداء الفاظ رکیک است، و در مراحل نازل تر به صدازدن طرف مقابل بانام های زشت و ناموزون و یا دشنام و ناسزا و... منتهی می شود، که این موارد ممکن است، زمینه ی بروز خشونت های بدنی و جسمی را فراهم کند و در نهایت در روابط میان همسران اختلال ایجاد کند؛ حال آنکه کار کرد خانواده به توانایی اعضای خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است و زمانی که افراد نسبت به همدیگر از خشونت کلامی استفاده می کنند، به تضادهای موجود میان خود دامن می زنند و به دنبال آن کار کرد خانواده افت پیدا می کند. این امر در مورد خشونت های جنسی و تأثیری که بر کار کرد خانواده می گذارد نیز صادق است. همچنین، در تبیین این یافته که چرا از میان چهار بعد خشونت، خشونت جنسی و خشونت کلامی مهمترین پیش بین در کار کرد خانواده است، میتوان چنین بیان نمود که خشونت جنسی و خشونت کلامی رخدادی است که غالباً در حریم خانواده اتفاق می افتد و آثار و نشانه های عینی برای اثبات چنین خشونت ها از نظر قانونی و حقوقی امری بسیار دشوار خواهد بود و بنابراین رخدادهای اشکال خشونت های یاد شده بیشتر از دو شکل دیگر خشونت یعنی، خشونت جسمی و خشونت عاطفی است.

## منابع

- آقابابایی، علی. (۱۳۸۴). خشونت مالی اقتصادی علیه زنان. مجموعه مقالات همایش خشونت علیه زنان را متوقف کنیم، شهرکرد، ص ۱۰۱-۱۰۳.
- بیرامی، منصور، هاشمی، تورج، علانی، پروانه، و عبدالهی عدلی، وحیده. (۱۳۹۰). عوامل جمعیت شناختی، دینداری با تکیه بر اسلام و عملکرد خانواده در پیش بینی شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ۹ (۱)، ۴۳-۳۳.
- بخشی پور رودسری، عباس و منصور، احمد. (۱۳۹۰). مقایسه ابعاد اسکیزوتایپی با توجه به الگوهای دلبستگی در دانشجویان دانشگاه تبریز. ۹ (۱)، ۲۴-۳۲.
- ثنائی، باقر. (۱۳۷۸). نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان. تازه ها و پژوهش های مشاوره، (۱): ۴۶-۲۱.
- رجبی، غلامرضا، چهاردولی، حجت اله و عطاری، یوسفعلی. (۱۳۸۶). بررسی رابطه کارکرد خانواده و جو روانی اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش آموزان دبیرستانی شهرستان ملایر، مجله علوم تربیتی و روانشناسی. ۲: ۱۱۳-۱۲۸.
- فال، کوین، هووارد، شارین، و فورد، جان. راه‌حلهایی برای خشونت های خانوادگی. ترجمه مهدیزادگان، ایران. و باقرپور، رحمت اله (۱۳۸۱). انتشارات جنگل، تهران.
- فرزنده، نسرین، دریس، فاطمه، و دل آرام، معصومه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه کارکرد خانواده با رفتارهای پرخطرانه دانش آموزان مدرسه دخترانه شبانه روزی منطقه دو آب-صمصامی. مجموعه مقالات همایش خشونت علیه زنان را متوقف کنیم، شهرکرد.
- کدیور، پروین، اسلامی، عبدالله و فراهانی، محمد نقی (۱۳۸۴). بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک های مقابله با فشار های روانی و تفاوت های جنسی در دانش آموزان پیش دانشگاهی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۴ (۲)، ۹۷-۱۲۳.
- محمد خانی، پروانه، رضایی دو گاهه، ابراهیم، محمدی، محمدرضا. و آزاد مهر، هدیه. (۱۳۸۵). شیوع ارتکاب خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۳۸: ۲۰۵-۲۲۳.
- مردانی حموئه، مرجان. و حیدری، هادی. (۱۳۸۹). ارتباط خوشبینی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان. فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۸ (۱): ۴۶-۵۲.
- مهدی زادگان، ایران. (۱۳۸۳). تاثیر فرایند مشاوره گروهی با مردان خشونت گرا در خانواده (کاربرد مدل دولوت). نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران.

- Audi, C. A. F., Corrêa, A.M. S., Andrade, M. D. G., & Perez-Escamila, R. (2011). Violence against pregnant women: prevalence and associated factors. *Revista de Sade publica*, 9:652-664.
- Coie, J., Watt, N., West, S., Hawkins, J., Asarnow, J., Markman, H., Ramey, S. Shure, M., and Long, B. (1993). The science of prevention: A conceptual framework and some directions for a national research program. *American Psychologist*, 48, 10131022.



- Crowley, A. K. (2006). The relationship of adult attachment style and interactive conflict style to marital satisfaction. A dissertation in degree of doctor of philosophy, Counseling Psychology.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M. and Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Family and Marital Therapy*, 9: 171-180.
- Fall, K. A. (2010). Alternatives to Domestic Violence. Printed in the United States of America.
- Forster, J. R. (1991). Facilitating positive changes. *International Journal of Personal Construct Psychology*, 4, 281-292.
- Gortner, E.T., Collan, J. K., & Jacobson, N. S. (1997). Psychological aspects of perpetrators of domestic violence and their relationships with the victims.
- Lemmy, D. (2003). Intimate partner violence. Mothers' perspectives of effects on their children. *MCN Am J Matern Child Nurs*. 26(2):98-103
- Markman, H., Renick, M., Floyd, F., Stanley, S., and Clements, M. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4and 5year follow up. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(1), 70-77.
- Othman, S., Adenan, N. A. M. (2011). Domestic violence management in Malaysia: A survey on the primary health care providers. *Asia Pacific Family Medicine*, 2:16-30.
- Resko, S. M. (2010). Intimate partner violence against women: Exploring intersections of race, class and gender. Unpublished doctoral dissertation, The Ohio State University, Ohio [On-line]. Available: [https://kb.osu.edu/dspace/bitstream/811/32018/20\\_1resko\\_paper\\_pdf?sequence=2](https://kb.osu.edu/dspace/bitstream/811/32018/20_1resko_paper_pdf?sequence=2)
- Sahin, N., Timor, S., & Ergin, A. (2010). Childhood trauma, type of marriage and self-esteem as correlates of domestic violence in married women in turkey. *Journal of Family Violence*, 7(25): 661-668.
- Schechter, S. Ganley, A. (1995). Understanding domestic violence. In *Domestic violence: A national curriculum for family preservation practitioners*. San Francisco: Family Violence Prevention Fund.
- Waring, R. B., Davies, R. W., Lee S., Grisi, E., McPhail-Berks M. & Scazzochio, C. (1981). The mosaic organization of the apocytochrome b Gene of *Aspergillus nidulans* revealed by DNA sequencing, *Cell*, 27, 4-11.